

چگونه غرب سوریه را ویران می کند

همان طور که تحقیقات **BIRN** بعدها نشان داد کمی بعد از آن اولین حمل و نقلها از زاگرب به اردن صورت گرفت. روزنامه نگاران **BIRN** توانستند طی چهار سال بعد سفارشات تسلیحاتی عربستان سعودی روی هم رفته زیر سقف ۸۲۹ میلیون یورو را طبق قراردادهای موجود ثابت کنند. تنها در سال ۲۰۱۳ آنها بیش از ۳۶۰ میلیون فشنگ، ۱۰ هزار کلاشنیکف و بیش از ۱۸ هزار آرپی جی ۷ سفارش دادند.



منبع: راشیا تودی

تارنگاشت عدالت

چگونه غرب سوریه را ویران می کند

بیش از ۵ سال است که ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی و کشورهای دیگر صدها هزار تن اسلحه به سوریه صادر می کنند. اکنون آشکار شده که برای این کار آنها پایگاه هوایی رامشتاین در آلمان را بکار می گیرند. راشیا تودی این معامله غیرقانونی تسلیحاتی که اتحادیه اروپا نیز در آن سهیم است، را مورد تحلیل قرار می دهد.

چند هفته پیش بود که دولت آمریکا زیر رهبری دونالد ترامپ به یک برنامه محرمانه که از طریق آن ایالات متحده، عربستان سعودی و دیگر کشورها معارضین ضد دولتی در سوریه را مسلح می کردند پایان بخشید. قبل از آن رسانهها اسم رمز سازمان سیا را برای این برنامه افشأ کرده بودند. **Timber Sycamore**: ابعاد صدور اسلحه به سوریه توسط ایالات متحده،

عربستان سعودی و قطر را تنها می‌توان تخمین زد. بنابر اظهارات منابع دولتی در ایالات متحده «تیمبر سکمور» تقریباً یک میلیارد دلار هزینه برداشته است.

ولی این طور که یکی از شبکه‌های روزنامه‌نگاران منتقد در این هفته منتشر کرد، پس از خاتمه رسمی پروژه «تیمبر سکمور»، هنوز سفارشات تسلیحاتی به کارخانه‌های اروپای شرقی ادامه دارد. چون پنتاگون برنامه تعلیم و تسلیح نیروهای به اصطلاح دمکراتیک سوریه SDF در شمال سوریه را کماکان ادامه می‌دهد، تولید کنندگان سلاح می‌توانند بخاطر سفارشات بیشتر شادمان باشند. این‌طور که شبکه BIRN شبکه گزارشگری تحقیقاتی بالکان) کشف کرده، تنها در ماموریت علیه «داعش» وزارت دفاع ایالات متحده از سپتامبر ۲۰۱۵ بیش از ۷۰۰ میلیون دلار اسلحه خریداری کرده است.

اکنون برمل آمده که کماندوی عملیات ویژه SOCOM سلاح‌های خریداری شده در اروپای شرقی را از طریق پایگاه هوایی رامشتاین در آلمان به سوریه منتقل می‌کند. روزنامه زوددویچه تسایتونگ در این هفته نوشت که حداقل تا اواخر ۲۰۱۶ از طریق پایگاه هوایی رامشتاین سلاح و مهمات به ترکیه ارسال گردیده است. دولت آلمان ادعا می‌کند که از این مسائل بی‌اطلاع است. سخنگوی وزارت دارائی آلمان خانم «فردریکه فون تیسن‌هاوزن» در مقابل راشیا تودی گفت که در این پنجره زمانی هیچ مجوزی برای صدور سلاح‌های جنگی به سوریه صادر نشده است.

سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده «مارتین شفر» گفت ایالات متحده متعهد نیست که همکاری را که در پایگاه هوایی رامشتاین انجام می‌دهد به دولت آلمان گزارش کند، البته تا وقتی که این اقدامات در «چارچوب نظم حقوقی موجود» صورت گیرد. در پاسخ به راشیا تودی «آندری هونکو» سخنگوی حزب چپ‌ها، مسئول امور اروپا گفت که درست در همین امر شک و تردید حاکم است. او به موضع مشترک شورای اتحادیه اروپا متعلق به سال ۲۰۰۸ اشاره کرد:

«بنابراین تحویل سلاح به سوریه بدون شک مغایر سومین معیار است که کشورهای عضو را متعهد می‌سازد از صدور جواز برای صادرات تسلیحاتی خودداری کنند، اگر این محمولات در کشور دریافت کننده سبب آغاز مناقشات مسلحانه گردد و یا این مناقشات را طولانی‌تر کند و یا تنش‌ها و مناقشات موجود را تشدید نماید.»

این سیاست‌مدار کارشناس امور اروپا انتقاد می‌کند که حتا یک تحریم تسلیحاتی اتحادیه اروپا علیه سوریه در سال ۲۰۱۳ لغو شد زیرا از جمله انگلیس قصد داشت شورشیان در سوریه را مسلح نماید. به نظر «آندره هونکو» این که گویا دولت آلمان اطلاعی از جریان جاری صدور

اسلحه ندارد را می‌توان «حداقل اغماض عمدی» نامید زیرا گزارشاتی از این نوع صادرات تسلیحاتی از سال‌ها پیش موجود است. او می‌گوید:

«ولی این امر مطابق با رفتار دولت آلمان در مورد پایگاه هوایی آمریکائی در رامشتاین است. این پایگاه از سال‌ها پیش بخش اصلی جنگ غیرقانونی پهپادی ایالات متحده را تشکیل می‌دهد. ولی حتی آنگاه که کوس رسوائی آن در هر کوی و برزنی نواخته می‌شد، دولت آلمان طوری رفتار می‌کرد که از همه چیز بی‌اطلاع است.»

این نماینده شورای اتحادیه در رابطه با رامشتاین از «یک افتضاح جدی» سخن می‌گوید. تنها حمایت ضدقانونی ایالات متحده از جهادگرایان در سوریه یک افتضاح عظیم است. ولی این که این صدور غیرقانونی سلاح تاکنون از طریق رامشتاین صورت گرفته است این افتضاح را به اوج خود می‌رساند و نشان می‌دهد که دولت آلمان «با چشم باز قانون شکنی‌های سنگینی را در خاک آلمان تحمل می‌کند»:

«از این طریق دولت آلمان در تشدید جنگ در سوریه و تشدید موج پناهندگان و آوارگان سهمیم است. ما در رابطه با افش‌اگری‌ها در مورد ارتباط رامشتاین و جنگ پهپادی آمریکا خواستار تعطیل این پایگاه شده بودیم. این درخواست با اطلاعاتی که اخیراً افش‌ا شده تقویت می‌شود.»

جنگ نیابتی از آمریکا: بدنبال ردپای کنترها و مجاهدین

در واقع سال‌هاست که رسانه‌های منتقد در مورد تحویل گسترده سلاح به جهادگرایان و مزدوران خارجی در جنگ داخلی سوریه گزارش می‌دهند. بطوری که گزارشگران محقق **Balkan Insight** کشف کرده‌اند، تحویل این سلاح‌ها در سال‌های آینده نیز ادامه خواهد داشت. بنابر اطلاعات این گزارشگران ارتش آمریکا در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ روی هم رفته ۵۸۴ میلیون دلار هزینه خواهد کرد.

تا سال ۲۰۲۲ مبلغ ۹۰۰ میلیون دلار دیگر نیز در نظر گرفته شده است. و بدین صورت تحویل سلاح به میلیشیای **SDF** که عمدتاً از افراد کرد تشکیل می‌شود روی هم رفته بالغ بر ۲،۲ میلیارد دلار خواهد بود که تنها از منابع پنتاگون تامین خواهد شد. علاوه بر **SOCOM** شرکت «پیکاتینی آرسنال» وابسته به سازمان سیا نیز در این معامله سهمیم است که تاکنون برای برنامه پایان بخشیده شده سیا فعالیت داشت. این شرکت نسبتاً گمنام تاکنون بیش از ۹۵۰ میلیون دلار برای مهمات شوروی که تا سال ۲۰۲۲ تحویل داده خواهد شد هزینه کرده است.

«اوتفرید ناسائور» کارشناس امور صدور تسلیحات در مرکز اطلاعاتی برای امنیت ترانس آتلانتیکی در برلین BITS در پاسخ به راشیا تودی می‌گوید نیاز ویژه‌ای در سیاست در بخش مهمات بچشم می‌خورد:

«تحویلی صدها میلیون خمپاره و فشنگ بنحو هول‌انگیزی نشان می‌دهد که تا چه اندازه مسئله مهمات در گفتمان صدور تسلیحات و کنترل تجارت تسلیحاتی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.»

بنابر گزارش BIRN شرکت «پیکاتینی آرسنال» در ده سال گذشته قریب ۱,۳ میلیارد دلار برای سلاح‌های نوع روسی از جمله کلاشنیکف و آرپی‌جی برای مسلح کردن غیر رسمی شبه‌نظامیان هزینه کرده است. از قراردادهای خرید این‌طور برمی‌آید که «پیکاتینی آرسنال» در گذشته به پایگاه استانی در تکزاس اسلحه می‌فروخته. بنابر یک گزارش قدیمی‌تر سازمان سیا از این انبار مخفی سازمان سیا کنترهای نیکارگوئه‌ای و مجاهدین افغانی تامین می‌کرده است. نیویورک‌تایمز «تیمبر سکمور» را یکی از پرهزینه‌ترین برنامه‌های سازمان سیا معرفی کرد که هم‌سنگ عملیات قبلی چون «عملیات سیکلون» است. در این چارچوب ایالات متحده در دهه ۱۹۸۰ مجاهدین افغانی را مسلح کرد. در آن زمان هم همکاری بین‌المللی بین ایالات متحده، عربستان و دیگر کشورها وجود داشت.

همان‌طور که در آن زمان پاکستان بعنوان مبدأ حرکت برای تاسیس یک ارتش نامنظم در افغانستان مورد استفاده قرار گرفت، سازمان سیا در سال‌های اخیر از ترکیه و اردن بعنوان «تخته پرش» «تیمبر سکمور» استفاده کرد. ایالات متحده در هر دو کشور حداقل از تابستان سال ۲۰۱۳ مرکز عملیات نظامی MOC را تاسیس کرد. وظیفه این مرکز تنظیم، تامین و تضمین جریان سلاح و باندهای مزدور گوناگون بود و از این طریق MOC در «امان» بعضاً تا ۳۰ هزار جنگجو کنترل می‌کرد که از مرزهای اسرائیل تا دمشق فعالیت داشتند. نیمی از آنان متعلق به گروه تروریستی سلفی جیش‌الاسلام بود.

MOC در ترکیه در نزدیکی فرودگاه استانبول قرار داشت و زیرکنترل ترکیه از طرف سازمان سیا کار می‌کرد. ولی بریتانیا و فرانسه نیز در آنجا حضور داشتند. بویژه عربستان سعودی، قطر و ترکیه بطور تهاجمی این طرح را دنبال می‌کردند که کمک‌های خود را متوجه «کارترین» شبه‌نظامیان کنند، که عملاً گروه رادیکال جبهه‌النصره بود. ترکیه و قطر به ظاهر تاکید داشتند که گروه‌های رادیکالی چون جبهه‌النصره و یا داعش را «عمداً حمایت نکرده‌اند». «ولی در حالی که «شورشیان معتدل» تنها روی کاغذ وجود خارجی داشتند، پول و اسلحه بالاجبار بدست جهادگرایان می‌رسید.

یک مامور سازمان جاسوسی عربی در سال ۲۰۱۴ گزارش کرد: «گروه‌های اسلامی روبروز بزرگتر و قدرتمندتر شدند، در حالی که ارتش آزاد سوریه روزبه روز ضعیف‌تر می‌شد» «دیوید ایگناسیوس» در آن زمان در واشنگتن پست نوشت: جنگ نیابتی قدرت‌های خارجی سوریه را دچار اغتشاش کرد. باوجود کلیه تاکیدها که ایالات متحده تنها از «شورشیان معتدل» حمایت می‌کند، در سال ۲۰۱۲ گزارش محرمانه سازمان جاسوسی آمریکا DIA تائید می‌کرد که گروه‌های اسلامی به همت کمک‌های بین‌المللی روبروز قوی‌تر می‌شوند. بنابر این گزارش که دوسال پیش از پیدایش داعش در سوریه و عراق تهیه شده بود، هدف این گروه‌ها تاسیس «خلافت اسلامی» در این دو کشور است. از آن زمان تاکنون اسناد بی‌شماری تائید می‌کند که سلاح‌های خریداری شده توسط ایالات متحده در اختیار القاعده و داعش قرار گرفته است.



یکی از جنگجویان سازمان تروریستی تحریرالشام در حال پرتاب یک موشک ضدتانک آمریکائی **TOW** به سوی یک تانک ارتش عربی سوریه. مارس ۲۰۱۷ در نزدیکی حلب.

اخیراً فرستنده تلویزیونی عراقی «الموصلیه» نشان داد که حتا موشک‌های ضدتانک بسیار گران‌قیمت TOW از نوع FGM-148 Javelin نیز از داعش به دست آمده است. نیویورک تایمز در سوگنامه برنامه تیمبر سکموور این طرح را «روی هم رفته موفق» برآورد کرد و اتفاقاً به موشک‌های TOW اشاره کرد. در اینجا آمده بود که «لحظات و دوره‌هایی از موفقیت» مثلاً در سال ۲۰۱۵ هنگامی که شورشیان با موشک‌های ضدتانک که سیا و عربستان سعودی صادر کرده بودند، نیروهای دولتی را از شمال سوریه بیرون راندند، وجود داشت ولی (درکمال تاسف روزنامه) در اواخر سال ۲۰۱۵ تهاجم نظامی روسیه روی مبارزین مورد حمایت سیا متمرکز شد و نهایتاً آنان را از بین برد

هرجنگی بالاخره با صلح پایان می‌یابد و با اسلحه آغاز می‌شود.

روند این جنگ در درعا (مرکز ایالتی در جنوب غربی سوریه) نمونه‌وار است. این شهر کوچک در نزدیکی مرز اردن برای بسیاری از ناظرین مبدأ جنگ داخلی سوریه محسوب می‌گردد. در ماه مارس ۲۰۱۱ بعد از این که دولت اعتراضات بزرگ مردم را سرکوب کرد، وضعیت بحرانی

تشدید شد. جای تردید نیست که در درعا در آن زمان هزاران نفر علیه دستگیری چندین دانش‌آموز توسط نیروهای امنیتی دست به تظاهرات زدند.

بنابراظهارات والدین دانش‌آموزان، پلیس با آنها بدرفتاری کرده و آنها را شکنجه کرده بود. و همین‌طور در این‌هم جای تردیدی نیست که نیروهای امنیتی علیه تظاهرکنندگان گاز اشک‌آور بکار بردند. البته در چنین احوالی برق در سطح وسیع قطع شد و تیراندازی‌هایی صورت گرفت. حداقل ۶ تظاهرکننده بدنبال اصابت گلوله جان سپردند. مسئول اصلی این تیراندازی تاکنون مشخص نشده ولی دولت مرکزی کمی بعد از این جریان فرماندار منطقه را از کار برکنار کرد.

«پتر شولاتور» که در آخرین سفر خود به خاور میانه بسر می‌برد در جنوب سوریه با یکی از فرماندهان محلی شورشیان ملاقات کرد و اظهارات وی را در کتاب خود زیر عنوان «لعنت شرارت» ثبت کرد. این افسر سابق ارتش با صراحت به روزنامه‌نگار آلمانی گفت که شورش درعا «خودجوش نبود». خود او قبلاً از طرف مامورین آمریکائی و اردنی مخاطب واقع شده بود که به «ارتش آزاد سوریه» که در خاک اردن تعلیم می‌بیند، بپیوندد.

تا چند هفته پیش درعا تحت کنترل شورشیان مسلح قرار داشت. برای جهادگرایان این شهر نقطه تدارکاتی بسیار مهمی بود که از طریق آن ۵ سال متمادی سلاح و افراد مسلح از طریق اردن به سوریه منتقل می‌گردید. این شهر با جنگ شدیدی روبرو بود. اکنون با وساطت ارتش روسیه درعا به یک منطقه صلح تبدیل شده است. کمیسیون‌های مشترک متشکل از مقامات محلی، اپوزیسیون سوری و نمایندگان روسی در «مرکز آشتی سوریه» کوشش می‌کنند تا زندگی صلح‌آمیز روزمره را سازماندهی کنند.

بین این دوره‌های جنگی حداقل ۲۵۰ هزار نفر کشته، میلیونها نفر آواره قرار گرفته و شهرهای خارج از نوار مطمئن ساحلی تقریباً بطور کامل ویران گردیده است. بنابراین گزارشات UNHCR تا فوریه ۲۰۱۷ تقریباً ۵ میلیون نفر کشور را ترک کرده‌اند که ۶۰۰ هزار نفر آن تنها به آلمان رفته‌اند.

«روس‌ها به غیر از غرولند کار دیگری نمی‌کنند»

اطلاعات در این مورد که این جنگ چگونه آغاز شد متعلق به سال ۲۰۱۱ است. در سال بعد از آن صحبت این بود که سوریه مورد حمله هوائی قرار داده شود، وزیر امور خارجه وقت آمریکا خانم هیلاری کلینتون در سند شورای امنیت ملی آمریکا نحوه عملکرد استراتژیک خود در سوریه را دقیقاً فرموله کرد. مرکز توجه وی به روشنی تامین منافع امنیتی اسرائیل و عربستان سعودی بود. فقط این‌طور نبود که «تنها یک دیکتاتور بی‌رحم دیگر سرنگون شود» بلکه ایران

هم نخواهد توانست در خاورمیانه قدرت پیدا کند، اسرائیل را تهدید نماید و ثبات منطقه را بهم زند. او گفت:

«واشنگتن باید رفته رفته آمادگی خود را اعلام کند که با هم‌پیمانان منطقه‌ای خود مثل ترکیه، عربستان سعودی و قطر همکاری کرده، شورشیان سوری را سازماندهی کند، تعلیم دهد و مسلح نماید.»

تنها خطری که خانم کلینتون در این لحظه احساس می‌کرد این بود که فدراسیون روسیه می‌تواند به نفع دولت سوریه وارد عرصه عمل گردد. البته با در نظر گرفتن جنگ کوسوو ایشان این مورد را غیر محتمل می‌دانست. واکنش روسیه در قبال دخالت‌های نظامی غرب در یوگسلاوی و لیبی نشان می‌داد که روس‌ها «بغیر از غرو لند کار دیگری نمی‌کنند.» از منظر امروز این برداشت یکی از خطاهای سنگینی دیگری بود که وزارت امور خارجه ایالات متحده در مورد سوریه مرتکب شد.

درحالی که در لیبی هنوز جنگ داخلی ادامه داشت، جنگی از سازمان‌های جاسوسی در سطح جهانی مشغول ارسال مقایر زیادی سلاح و تعداد زیادی مزدور به سوریه شدند. در کنار گواهی شورشیان سوری، تحقیقات کمیسیون کنگره آمریکا نیز موید همین اتهام است. مسئله بر سر قتل سفیر آمریکا «کریستفر استیفنز» در لیبی در شهر بندری بنغازی بود. افراد مسلح روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۲ به کنسولگری آمریکا در این شهر حمله بردند. تحقیقات نشان داد که که درست در این زمان حداقل ۳۵ عملیات سازمان سیا در این شهر جریان داشت. سازمان سیا از درون کنسولگری کار بارزدن سلاح‌های لیبیائی از جمله موشک را در کشتی جهت ارسال به سوریه هماهنگ می‌کرد.

از نوامبر ۲۰۱۱ پیروزمندان در جنگ داخلی لیبی در خفا با اعضای ارتش آزاد سوریه ملاقات کردند و قرار تحویل سلاح در سطح گسترده را گذاردند. دست بر قضا این عبدالحکیم بلحاج، یکی از اعضای مؤسس القاعده شعبه مبارزین اسلامی لیبی بود که شورای نظامی را در پایتخت لیبی طرابلس رهبری می‌کرد. این مجاهد سابق خروارها سلاح و همین‌طور تعداد زیادی جنگجو از بنغازی به سوریه و ترکیه فرستاد.

آبشار اسلحه

نسخه رسمی که تا سال ۲۰۱۳ را در برمی‌گیرد نشان می‌دهد که ایالات متحده آمریکا تنها «حمایت محدودی» از سازوکار نظامی علیه دولت سوریه ارائه کرده بود. صحبت اینجا در مورد کمک‌های انساندوستانه و نه ابزار قتاله بود و علاوه بر آن تنها «تعداد خیلی کمی از افسران سازمان سیا» در جنوب ترکیه مستقر بودند که به «سازمان‌های جاسوسی عربی کمک می‌کردند» تا تصمیم‌گیری در این مورد که کدام بخش از مبارزین اپوزیسیون سلاح دریافت دارند، را تسهیل

کنند. در واقع دولت اوپاما در این مرحله تاکید می‌کرد که رئیس جمهور هیچ‌نوع تحویل سلاحی را مجاز اعلام ننموده است.

البته گفته می‌شد که عربستان سعودی و قطر در سطح گسترده سلاح، از جمله مسلسل، موشک، خمپاره و مهمات در اختیار شورشیان قرار می‌دهند و این سلاح‌ها و مهمات از طریق مرز ترکیه در اختیار مبارزین اپوزیسیون سوری در صفوف جهادگرایان اسلامی قرار داده می‌شود. استدلال مقامات وزارت امور خارجه این بود که درست به همین علت باید ایالات متحده آمریکا گروه‌های سکولار اپوزیسیون را که مورد حمایت غرب است مسلح کند. در این زمان فرانسه و بریتانیا همراه با عربستان سعودی و کشورهای حومه خلیج «ائتلاف ملی سوریه» را بعنوان دولت جدید سوریه به رسمیت شناختند.

اولین تائید نیمه‌رسمی در رابطه با سوریه که یک اقدام هماهنگ شده بین‌المللی توسط سازمان‌های جاسوسی در جریان است، در ماه مارس ۲۰۱۳ در نیویورک تایمز منتشر شد. مقامات مختلف دولتی در مقابل روزنامه‌نگاران تائید کردند که ایالات متحده آمریکا و ترکیه و «کشورهای عربی مختلفی» در ماه‌های قبل انتقال سلاح به سوریه را تشدید کرده‌اند. انستیتوی تحقیقات بین‌المللی صلح استکهلم حجم سلاح‌های تحویل داده شده به شورشیان سوری را برای سال ۲۰۱۲ حداقل ۳۵۰۰ تن تخمین می‌زند. «هاگ گریفیث» برای این انستیتوی معتبر ظرفیت ترابری پروازهای به ثبت نرسیده را محاسبه کرد:

«شدت و فرکانس این پروازها مبین عملیات تدارکاتی نظامی مخفی بسیار خوب طراحی و هماهنگ شده می‌باشد.»

نیویورک تایمز از یک «عملیات گسترده هوایی مخفی» که از سال ۲۰۱۲ آغاز شده سخن می‌گفت. منابع این روزنامه از آن زمان تاکنون بیش از ۱۶۰ پرواز هواپیماهای باربری نظامی از اردن، عربستان سعودی و قطر به فرودگاه «اسن بوگا» در نزدیکی آنکارا را به ثبت رسانده‌اند. پروازهای دیگری به فرودگاه‌های کوچکتر در ترکیه و اردن نیز صورت می‌گرفت. سازمان‌های جاسوسی ایالات متحده به دولت‌های عرب در خریداری سلاح از جمله از کرواسی کمک کردند. یک مامور سیا در این رابطه از «آبشار اسلحه» که بر سوریه فرو می‌ریزد سخن می‌گفت. منابع دیگری حجم محمولات و سطح توزیع آنها را «بسیار گسترده» برآورد می‌کرد. حجم این سلاح‌ها بسیار عظیم است ولی شورشیان مورد حمایت «در عرض دو هفته یک میلیون گلوله خالی می‌کنند». فرماندهانی که از طرف روزنامه مورد مصاحبه قرار گرفتند بلااستثنأ به گروه تروریستی اسلامی احرارالشام که در این زمان بیش از ۲۰ هزار نیرو داشت تعلق داشتند.

آنها معترض بودند که حجم سلاح‌های تحویلی کافی نیست و از طرف دیگر تماس‌های روزنامه حاکی از این بود که تعداد زیادی تاجر مسلک زیر پرچم «ارتش آزاد سوریه» به این سلاح‌ها

دست یافتند و آنها را با سود زیاد بفروش رساندند. سیل سلاح به سوریه در همان سال ۲۰۱۲ بدون هیچ کنترلی آغاز گردید.

«اوتفرید ناساتور» از مرکز اطلاعاتی برای امنیت ترانس‌آتلانتیکی در برلین در مقابل راشیا تودی اشاره کرد که این بازارهای تسلیحاتی منطقه‌ای وضعیت امنیتی را تنها در درگیری‌های جاری تشدید نمی‌کند:

«غلب فراموش می‌شود که تحویل هر نوع تسلیحاتی بویژه سلاح‌های سبک و کوچک به طرفین درگیر فقط در جنگ جاری قاتل نیست، بلکه پس از جنگ اغلب به فروش سلاح به گروه‌های دیگری که به جنگ مشغولند می‌انجامد و در نتیجه این سلاح‌ها مکرراً در تجارت با مرگ مورد استفاده قرار گرفته و منبع درآمدی می‌گردد.»

بنابر اطلاعات «Spotter» ها که کارشان این است از طریق امواج رادیویی و در فرودگاه‌ها کلیه انواع هواپیماها را ثبت کنند، سیل تسلیحات از روز ۳ ژانویه ۲۰۱۲ با دو هواپیمای C-130 نیروی هوایی قطر آغاز گردید، که بنابر اطلاعات ترافیک هوایی در استانبول به زمین نشستند. آنها در عرض یک هفته بین ۲۶ آوریل تا ۴ مه ۲۰۱۲ فرود شش هواپیمای عظیم آمریکائی-C-17 را در فرودگاه اسن‌بوغا یعنی تقریباً روزانه یک هواپیما را ثبت کردند. این رکورد در روز ۸ اوت ۲۰۱۲ شکسته شده که ۱۴ هواپیمای باربری قطری در ترکیه بزمین نشستند.

در طول ماه اکتبر و نوامبر نیز به همین صورت هرروز هواپیماهایی به زمین فرود می‌آمدند. «اسپاترها» در این ماه سه هواپیمای نیروی هوایی کشور شاهنشاهی اردن را نیز به ثبت رساندند. هواپیماهای باربری اردنی پروازهای گردشی بین ترکیه، امان (پایتخت اردن)، زاگرب در کرواسی انجام می‌دادند و هر نوع سلاحی را از انبارهای کرواسی بارمی‌زدند.

دو هواپیمای ایلوشین «اینترناشنال ایر کارگو» متعلق به اردن تنها بین دسامبر ۲۰۱۲ تا فوریه ۲۰۱۳ روی هم رفته ۳۶ بار بین امان و کرواسی پرواز کردند. همین‌طور نیروی هوایی پادشاهی عربستان سعودی از اواسط فوریه تا اوائل مارس ۲۰۱۳ با هواپیماهای C-130 به اسن‌دوگا حداقل ۳۰ حمل و نقل در ترکیه انجام داد.

برعکس، کلیه هواپیماهای قطر از پایگاه هوایی العدید در قطر می‌آمدند. در این پایگاه مقر فرماندهی نیروهای آمریکا در شبه‌جزیره خلیج و مرکز تدارکاتی نظامی ایالات متحده در خاور میانه قرار دارد. بنابر اظهارات منابع جاسوسی آمریکا «دیوید پیترئوس» که تا نوامبر ۲۰۱۲ رئیس سازمان سیا بود، این شبکه حمل و نقل هوایی را «براه انداخته بود». «پیترئوس» «چندین کشور را ترغیب کرد» تا به این جریان عظیم نقل و انتقال سلاح بپیوندند.

باران رحمت مالی برای کارخانه‌های اسلحه‌سازی اروپای جنوب شرقی در سال‌های گذشته نمایندگان سیا و کشورهای خلیج، اروپای شرقی سابق را زیرپا گذاردند و تولیدکنندگان سلاح‌های جنگی را جستجو کردند. اولین کشور در این همکاری سازمان‌های جاسوسی ظاهراً کرواسی بود. برای این‌که بی‌جهت توجه عموم جلب نشود، سازمان‌های جاسوسی با رغبت سلاح‌های «سبک شوروی» که به هر حال در سوریه بطور گسترده وجود داشت، را انتخاب می‌کردند. گویا یک سیاستمدار کرواسی در سال ۲۰۱۲ فعالانه با آمریکایی‌ها تماس گرفت تا سلاح‌های یوگسلاوی سابق را برای جنگ در سوریه ارائه کند.

در این زمان باراک اوباما کلید این برنامه را زده بود لذا سیا خیلی ساده آنها را با عربستان سعودی مربوط کرد. همان‌طور که تحقیقات BIRN بعدها نشان داد کمی بعد از آن اولین حمل و نقل‌ها از زاگرب به اردن صورت گرفت. روزنامه‌نگاران BIRN توانستند طی چهار سال بعد سفارشات تسلیحاتی عربستان سعودی روی هم رفته زیر سقف ۸۲۹ میلیون یورو را طبق قراردادهای موجود ثابت کنند. تنها در سال ۲۰۱۳ آنها بیش از ۳۶۰ میلیون فشنگ، ۱۰ هزار کلاشنیکف و بیش از ۱۸ هزار آربی جی ۷ سفارش دادند.

البته این‌طور به نظر می‌رسد که علاقه آمریکا و عربستان سعودی به گوش کشورهای همسایه نیز رسیده است. بنابر تحقیقات BIRN جنگ سوریه ایمپالس عظیمی برای تجارت تسلیحاتی در سطح اروپا شد:

«این تنها آغاز سیل بی‌سابقه سلاح از اروپای میانه و شرق به خاورمیانه بود زیرا انبارهای ۷ کشور دیگر نیز از سلاح پر شد. تجار اسلحه در منطقه سلاح و مهمات از کشورهای خود جمع‌آوری کرده و حتا واسطه فروش مهمات از اوکراین و بلاروس می‌شدند. آنها حتا کوشش می‌کردند سیستم‌های ضدتانک تولید شوروی را که در انگلیس وجود داشت خریداری کنند».

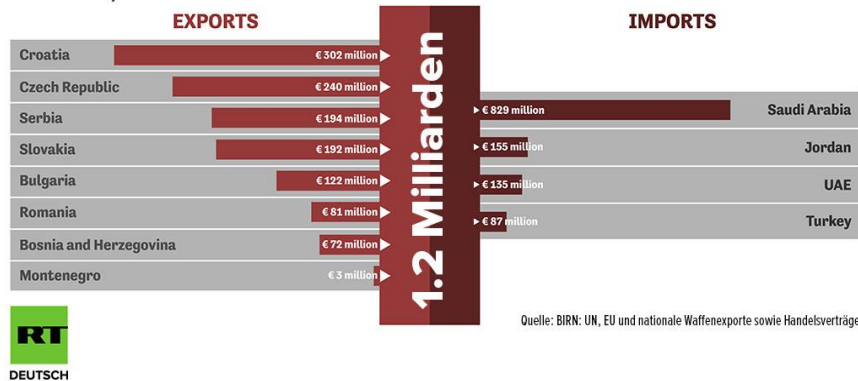
در کنار جمهوری‌های سابق یوگسلاوی مثل کرواسی، صربستان، مونته‌نگرو، بوسنی و هرزگووین، کارخانجات تسلیحاتی چک، بلغارستان و رومانی نیز از بازاری تقاضای این آلت‌های قتاله بهره‌مند شدند. همین‌طور گویا اوکراین که ایالات متحده در گذشته از آن استفاده کرد تا بطور غیرقانونی شبه‌نظامیان SPLA در جنوب سودان را تجهیز کند، مقادیر زیادی سلاح از طریق دریای سیاه با کشتی به منطقه ارسال کرده بود.

۱/۲ میلیارد یورو سلاح جنگی به سوریه

بین سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ هشت کشور اروپای جنوب‌شرقی سلاح و مهمات به ارزش ۱،۲ میلیارد دلار به ۵ کشور برای تجهیز شورشیان صادر کردند. شبکه BIRN توانست ثابت کند که بسیاری از این سلاح‌ها بدست افراطیون اسلام‌گرا در سوریه افتاد.

€1,2 Milliarden Waffen-Pipeline nach Syrien

Zwischen 2012 und 2016 lieferten acht südosteuropäische Länder Waffen und Munition im Wert von mindestens 1,2 Milliarden Euro an fünf Länder, die Rebellen in Syrien ausrüsten. Das Netzwerk BIRN konnte nachweisen, dass viele dieser Waffen bei islamistischen Extremisten in Syrien landeten.



RT
DEUTSCH

نخست وزیر صربستان «آکساندر ووچیچ» در پاسخ به روزنامه نگاران در ژوئن ۲۰۱۶ گفت کشورش می تواند تولید سلاح را ۵ برابر نماید ولی بازم کفاف تقاضا را نخواهد کرد: «متأسفانه نسبت به گذشته جنگ های فراوانی در اقصای نقاط جهان وجود دارد و هرچه ما تولید کنیم می توانیم در هر گوشه از جهان بفروش رسانیم».

از این زمان شرکت های چون «کروسیک» تولید کننده موشک در صربستان و کارخانه تسلیحاتی VMZ در بلغارستان سطح تولید خود را بشدت ارتقا داده اند. در ژوئن سال جاری «ووچیچ» گفت که «دشت و جنگل» مبدل به کارخانجات تولید سلاح خواهد شد. پس از بازدید اخیر خود از کارخانه تسلیحاتی «بلوم» او تأیید کرد که کشورش تا سال ۲۰۲۰ تولیدات تسلیحاتی خود را تقریباً دوبرابر خواهد کرد.

با در نظر گرفتن این ارقام می توان در کنار مخرج، حجم سلاح هایی که تاکنون در اروپای شرقی خریداری و در اختیار جهادگرایان سوری نهاده شده را نیز تخمین زد: از آغاز سیل سلاح در سال ۲۰۱۲ تا کنون ۵ سال و نیم گذشته است. انستیتوی تحقیقات صلح بین المللی در استکهلم سقف تحویل سلاح در سال اول را ۳۵۰۰ تن تخمین زد یعنی اگر این تخمین را با احتیاط برای ۵ سال و نیم حساب کنیم به رقمی معادل ۲۰ هزار تن تا تابستان ۲۰۱۷ خواهیم رسید.

ولی دل مشغولی های دادستانی آلمان جلوگیری از صدور سلاح به سوریه نیست، زیرا در بین آوارگانی که از سوریه به آلمان آمده اند بسیاری نیز جزو مبارزین آزادی سوری هستند. مثلاً «عبدالجواد ال ک.» در مقام فرمانده یک واحد القاعده در جبهه النصره در ماه مارس ۲۰۱۳ در شهر کوچک «طبقه» دست به کشتار ۳۶ نفر زد. بگفته دادستانی اشتوتگارت او همراه همپالگی های خود افراد پلیس، کارمندان دولت و گویا شبه نظامیان هوادار دولت را روی کوه

زباله جمع کرده و چون سرهای آنان خوب بریده نشده بود، «اتمام» کار را خود او به عهده گرفته بود.

متهم دارای زندگی‌نامه تیپیک اجتماعی است که رسانه‌های آلمانی هنوز آن را «نیروی اپوزیسیون» می‌نامند. بنا به نوشته مجله «اشپیگل» در ابتدا او و همپالگی‌هایش به «ارتش آزاد سوریه» پیوستند که اول از طرف آمریکائی‌ها با جدیت زیاد حمایت می‌شد و اولین گروه مسلح در این منطقه یعنی در حوالی پایتخت بعدی داعش رقه، بود. در پایان سال ۲۰۱۲ این گروه بطور کامل به جبهه النصره پیوست و دو سال بعد در داعش و «دیگر گروه‌های شبه‌نظامی تروریستی» ادغام گردید.

لیست خرید عربستان سعودی

بین سال های 2012 تا 2016 عربستان سعودی از کشورهای جنوب شرق اروپا به قیمت 829 میلیون یورو از مدل سلاح های اتحاد شوروی سابق خریداری کرد

Saudi Shopping List

Zwischen 2012 und 2016 importierte Saudi-Arabien Waffen und Munition aus den südosteuropäischen Staaten für 829 Millionen Euro. Dabei geht es um Waffenmodelle aus der ehemaligen Sowjetunion.

AK-47		10,000
Maschinengewehre		6,301
Raketen- und Granatwerfer		18,500
Panzer		300
Luftabwehrgeschütze		250
Mobile Raketenwerfer		90
Munition		364,550,000

Quelle: BIRN, UN, EU und nationale Waffenporte sowie Handelsverträge